

Social Relations and Attachment: Patterns of Mutual Psychosocial Communications within the system of Interpersonal Relationships

Amir Mohammad Shamsavarani<sup>2</sup>

امیر محمد شهسوارانی<sup>۱</sup>

**Abstract:** Social life is undoubtedly impossible without a system of mutual message exchange among people. Communication in any type, as a set of media carrying messages, has an important role in shaping human societies. With advances of human societies, symbolic systems of communication gradually have made communities more complex and mutual interpersonal interactions have a key role in this process. Studies on psychosocial domains have revealed that interpersonal interactions are formed around core intrinsic interactions which aims to keep people near each other and referred to as Attachment. The current paper tries to formulate social and interpersonal relations from the viewpoint of attachment and show the implications of this theoretical framework in the future analyses of psychosocial studies on interpersonal communications and interactions.

**Keywords:** Attachment, Social Relations, Psychosocial Communications, Interpersonal Relationships.

**چکیده:** زندگی اجتماعی بدون شک بدون وجود نظامی از تبادل متقابل پیام‌ها بین افراد، ناممکن است. ارتباطات از هر شکل، بعنوان مجموعه‌ای از رسانه‌های حامل پیام، نقشی مهم در شکل‌گیری جوامع بشری دارند. با پیشرفت جوامع بشری، نظام‌های نمادین ارتباطی بتدریج منجر به پیچیدگی اجتماعات شده و در این میان، تعاملات متقابل بین فردی نقشی کلیدی دارند. با تمامی این اوصاف، حسب بررسی‌های صورت گرفته در حوزه‌های روانی-اجتماعی، تعاملات بین فردی بر پایه هسته‌ای از تعاملات غریزی شکل می‌گیرند که هدف آن نگهداشت افراد در کنار همدیگر است و در متون تخصصی از آن به دلبستگی تعبیر می‌شود. در نوشتار حاضر، تلاش شده است مبانی ارتباطات بین فردی و اجتماعی از زاویه دید نظریه دلبستگی مورد بررسی واقع شده و اهمیت استفاده از این چهارچوب نظری برای کاربرد در تحلیل‌های آتی پژوهش‌های روانی-اجتماعی در حوزه تعاملات و ارتباطات بین فردی پررنگ شود.

**کلمات کلیدی:** دلبستگی، روابط اجتماعی، ارتباطات روانی-اجتماعی، ارتباطات بین فردی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> دپارتمان جامعه‌شناسی، آکادمی ملی علوم ارمنستان، ایروان، ارمنستان. amirmohammadshi@gmail.com

<sup>۲</sup> Department of Sociology, National Academy of Sciences of Republic of Armenia (NAS RA), Yerevan, Armenia; [Corresponding Author], amirmohammadshi@gmail.com

## مقدمه

ارتباط بین فردی رابطه‌ای نیرومند، عمیق و نزدیک بین دو یا چند نفر است که از منظر زمانی می‌تواند دامنه‌ای از گذرا تا مداوم را شامل شود. این ارتباط ممکن است بر اساس عشق، همبستگی، تعاملات منظم تجاری و کاری، منطق، استدلال و یا هر تعهد اجتماعی دیگر باشد. روابط بین فردی در زمینه تاثیر اجتماعی، فرهنگی و امثالهم شکل می‌گیرند. این زمینه می‌تواند شامل مواردی چون خانواده، روابط فAMILI، دوستی، ازدواج، ارتباط با همکاران، کار، انجمن‌ها، محله، و حتی اماکن عبادی شود. ارتباطات بین فردی توسط مواردی چون قانون، عرف، و توافق دوجانبه تنظیم شده و پایه گروه‌های اجتماعی و جامعه به صورت یک کل اجتماعی هستند (Garofalo, Velotti, Zavattini, & Kosson, 2017; Simpson & Campbell, 2013). در متون مرتبط با شخصیت نیز روابط بین فردی بعنوان کانالی معرفی شده‌اند که از آن طریق تفاوت‌های فردی بر سلامت روانی افراد تاثیر می‌گذارند. علی‌الخصوص، فرض شده است سطوح بالای برون‌گرایی (تمایل فرد به ارتباطات بین فردی زیاد) منجر به ارتباطات بهتر و در نتیجه وضعیت بهتر سلامت روانی می‌شود. اهمیت روابط بین فردی امروزه در روانشناسی تا حدی است که تقریباً بسیاری از اختلالات مهم روانشناختی در بستر تعاملات بین فردی تحلیل، اصلاح، درمان و ترمیم می‌شوند (Cionea, Piercy, & Carpenter, 2017; Han et al., 2018; Maybery, 2004; Stoeber, Noland, Mawenu, Henderson, & Kent, 2017; Tucker et al., 2018).

ارتباطات بین فردی نظام‌هایی پویا هستند که بطور پیوسته در طول حیات خود تغییر می‌کنند. همچون موجودات زنده، ارتباطات یک آغاز، یک چرخه زندگی و یک پایان دارند. ارتباطات بین فردی، همگام با شناخت افراد از همدیگر و نزدیکی هیجانی آنها به هم، تمایل به رشد و بهبود تدریجی دارند و یا به تدریج محکوم به زوالند، هنگامی که افراد از هم دور شده، حساب زندگی خود را از هم جدا نموده و روابط جدیدی را با دیگران آغاز می‌نمایند. در ارتباطات، بخش عمده‌ای از انتقال پیام از طریق کنش‌های نمادین غیرکلامی است که منجر به انتقال عواطف و هیجانات افراد به یکدیگر می‌شود؛ چنین انتقال هیجانی‌ای پایه و اساس مهمی در توانمندی نگهداشت یک پیوند ارتباطی بشمار می‌آید (Cheshin, Amit, & van Kleef, 2018; Mainhard, Oudman, Hornstra, Bosker, & Goetz, 2018; Shenkman, Shrira, Ifrah, & Shmotkin, 2018).

بخشی از روابط بین فردی در حوزه‌های محیط‌های کاری و خارج را محیط‌های صمیمی است که می‌توان به عبارت ساده‌تر، محل برقراری آنها را در گروه‌های ثانویه دانست. روابط شغلی به میزان زیاد تحت تاثیر ارتباطات تنظیم شده بین فردی هستند و یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بخش‌های منابع انسانی در هر سازمان اصلاح روابط بین فردی در پرسنل برای افزایش بهره‌وری سازمانی است (Ho, Kong, Lee, 2018).

(Dubreuil, & Forest, 2018). بخش دیگر روابط بین فردی در گروه‌های اولیه و محیط‌های غیر کاری رخ می‌دهد از آن بعنوان روابط غیررسمی نیز یاد می‌شود. یکی از مهمترین بخش‌های ارتباطات بین فردی، روابط بین دو فرد غیرهمجنس است که پایه و اساس خانواده و زندگی خانوادگی را تشکیل می‌دهد. روابط بین دو غیرهمجنس در جوامع به عنوان ازدواج معرفی شده که طبق تعریف شامل پیوند جنسی دو فرد بزرگسال است که بصورت اجتماعی تایید شده و به رسمیت شناخته می‌شود. پیوند ازدواج سرمنشاء ارتباطات بین فردی بسیار گسترده و توالی دهنده سلسله متوالی نسل‌های جامعه با یکدیگر است (Giddens, Duneier, Applebaum, & Carr, 2016).

یکی از تاثیرگذارترین مدل‌های شکل‌گیری ارتباطات صمیمی بین فردی توسط جرج لوینگر پیشنهاد شده است (Levinger, 1980; Levinger & Rubin, 1994). این مدل بدو برای توصیف ارتباطات بین فردی عاشقانه دو فرد بزرگسال غیرهمجنس بیان شده است، اما می‌توان آن را برای انواع دیگر روابط بین فردی نیز به کار برد، چون تقریباً این مراحل در تمامی ارتباطات بین فردی قابل مشاهده‌اند. بر اساس این مدل، تحول طبیعی یک رابطه بر اساس مراحل زیر است (Levinger, 1994, 1999):

۱. **نزدیکی**:<sup>۱</sup> نزدیک شدن وابسته به روابط پیشین، فاصله فیزیکی، تاثیرات اولیه، و مجموعه‌ای از سایر عوامل است. اگر دو نفر به هم علاقمند شوند، تعاملات مداوم می‌تواند منجر به مرحله بعدی شود. اما مرحله نزدیکی می‌تواند تا بینهایت ادامه یابد. نمونه ساده آن، روابط همکاری و مراودات معمول اجتماعی است.
۲. **برساختن**:<sup>۲</sup> در این مرحله، افراد بهم اعتماد کرده و مراقب یکدیگرند. نیاز به صمیمیت و پیوندجویی، منجر به سازگاری شده و عامل‌های تصفیه‌کننده‌ای نظیر پس زمینه و اهداف مشترک تعیین می‌کنند که تعاملات چگونه ادامه خواهند یافت.
۳. **تداوم**:<sup>۳</sup> این مرحله منجر به تبدیل تعهد دوجانبه به یک رابطه دوستی کاملاً عمیق و نزدیک و درازمدت، رابطه عاشقانه، و در نهایت ازدواج می‌شود. این مرحله به طور معمول دوره طولانی و نسبتاً با ثباتی در رابطه طرفین است. در عین حال، رشد و تحول فردی در این دوره در هر دو طرف صورت می‌گیرد و به موازات آن رابطه عمیق‌تر و پخته‌تر نیز می‌شود. اعتماد متقابل<sup>۴</sup> مهمترین عامل ثابت رابطه در این مرحله است.

<sup>۱</sup> acquaintance

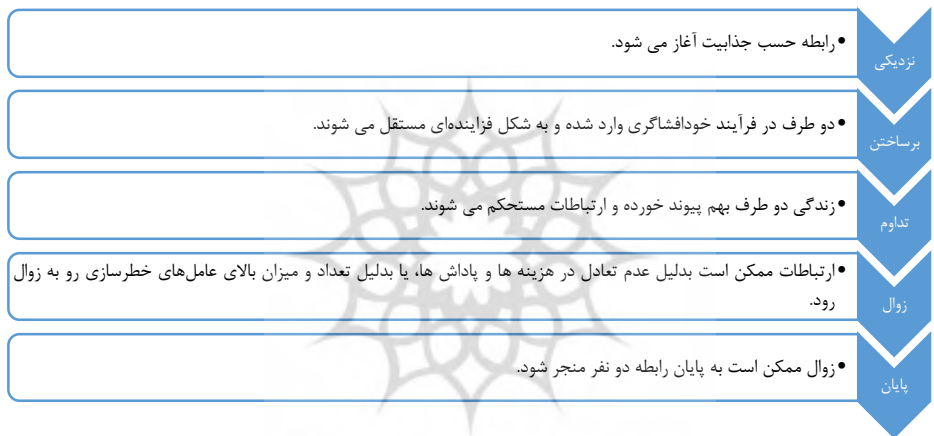
<sup>۲</sup> build-up

<sup>۳</sup> continuation

<sup>۴</sup> mutual trust

۴. **زوال**: تمامی روابط دچار زوال نمی شوند. اما آنها که دچار زوال می شوند معمولاً علایمی از مشکل را نمایان می سازند. خستگی، بی حوصلگی، تلخکامی، و نارضایتی ممکن است پدیدار شوند و افراد تعامل کمتری داشته و از خودافشاگری اجتناب می کنند. فقدان اعتماد و خیانت منجر به زوال رابطه شده و بتدریج به خاتمه رابطه می انجامند. همچنین، ممکن است طرفین ارتباط راهی برای حل مسایل یافته و اعتماد و باور به همدیگر را مجدداً برقرار نمایند که در این صورت رابطه دوباره به مرحله «تداوم» باز خواهد گشت (این امر به میزان زیادی نیازمند مداخلات روانشناختی است).

۵. **خاتمه**: مرحله پایانی نشانگر اختتام رابطه است که به شکل جدا شدن، مرگ، قطع رابطه، دوری فیزیکی، طلاق و ... است که برای مدت زمان زیادی رخ داده و تمام ارتباطات دوستانه و یا رابطه عاشقانه موجود بین طرفین را از هم می گسلد.



نمودار ۱: مدل مراحل پنجگانه ارتباطات بین فردی (Levinger, 1980)

ارتباطات بین فردی دوستانه شامل درجاتی از انتقال پذیری<sup>۱</sup> است. به عبارت دیگر، فرد ممکن است با دوست یکی از دوستان فعلی خود دوست شود. اما، اگر دو نفر رابطه جنسی با یک نفر داشته باشند در این حالت بعنوان رقیب، نه دوست همدیگر، محسوب خواهند شد (این مورد در روابط چندهمسری<sup>۵</sup> بسیار شایع است که همسران یک مرد، پیشتر با هم دوست بوده اند و پس از اینکه هر دو، همسر یک

<sup>۱</sup> deterioration  
<sup>۲</sup> self-disclosure  
<sup>۳</sup> ending  
<sup>۴</sup> transitivity  
<sup>۵</sup> polygamy

مرد شده اند، به رقیب و حتی دشمن هم بدل می شوند). به همین دلیل، رابطه جنسی با شریک جنسی یک دوست رابطه دوستی را بهم می زند و یک مثلث عشقی ایجاد می کند ( Vangelisti & Perlman, 2018). گونه های روابط بین فردی که روزانه افراد شاهد و مشارکت کننده در آنها هستند نشانگر سادگی اکثر الگوهای رفتاری انسان در ارتباطاتند. روابط اجتماعی بین دو نفر نیازمند پیامدهایی است که طرفین تا حدی بعنوان پاسخ دیگری دریافت می کنند. میزان بزرگی این تاثیرات تقابلی نقش اصلی را در میزان وابستگی و دوام ارتباطات ایفا می نمایند ( de Waal-Andrews & van Beest, 2018; Meehan, Cain, Roche, Clarkin, & De Panfilis, 2018).

### مفاهیم پایه در ارتباطات بین فردی

مطالعات مختلف از حوزه های روانشناسی بالینی تا پیمایش های اجتماعی نشانگر نقش مهم ارتباطات بین فردی در سلامت روان، رشد بهنجار، فرآیندهای تحصیلی، فرآیندهای درمانی، بهبود ارتباطات و پیوندهای اجتماعی، افزایش سرعت توانمندسازی و ظرفیت سازی، و نیز بالا رفتن سطح سرمایه اجتماعی هستند. به شکل فزاینده ای واضح است که ارتباطات بین فردی بر اساس نحوه ارتباط افراد با یکدیگر قابل تغییرند. توجه به این امر مهم است که ارتباطات بین یک نفر و نظام ارتباطی خطی نیست؛ بلکه، برعکس، خصوصیات فردی ویژگی های این نظام را تحت تاثیر قرار داده و این ویژگی ها نیز به شکلی متقابل صفات و ویژگی های فرد را تغییر می دهند (van Breen, De Dreu, & Kret, 2018). بنابراین، لاجرم مفاهیم و سازه های مختلفی در مداخله، شکل دهی، تسهیل و حفظ ارتباطات بین فردی دخیلند. بر این اساس، در روابط اجتماعی بطور عمده ۱۰ مفهوم بنیادی مشخص شده اند (Gaines, 2016; Vangelisti & Perlman, 2018):

- (۱) **دلبستگی**: هر فرد یک رابطه مرکزی را می جوید تا در آن امنیت، رضایت، و معنا بیابد
- (۲) **ارتباط و جدایی**: هر فرد به رابطه مرکزی خود ترجیحات بیشتری یا کمتری برای ارتباط (نزدیکی، صمیمیت) و جدایی (استقلال، خودمختاری) می افزاید که نیرومندی آنها توسط تعاملات پیچیده متغیرهای زیستی، تحولی، روان پویایی، اجتماعی، و فرهنگی مشخص می شود.
- (۳) **مذاکره**: مراحل اولیه شکل گیری ارتباط شامل مذاکراتی پیچیده بین دو طرف رابطه است تا تعادل بین ارتباط و جدایی را مشخص کنند. این امر برای پیشبر و بقای رابطه لازم است و نمی توان تداوم رابطه را تنها بر اساس خصوصیات افراد پیش بینی نمود.

۱ attachment

۲ connection and separation

۳ negotiation

- (۴) **ترس‌های ناخودآگاه:** از آنجا که بسیاری از ترس‌های ناخودآگاه افراد از ارتباط، جدایی، و یا هر دو که از تجارب کودکی نشأت می‌گیرند، نقش مهمی در مذاکره دارند، هر فرد تلاش می‌کند تا به تعادلی در ارتباط برسد که برایش حداکثر رضایت و رهایی از ترس را به ارمغان بیاورد.
- (۵) **قدرت:** در مذاکره برای ساختار رابطه که شامل تعادل در ارتباط و جدایی است، هی فرد تلاش می‌کند تا دیگری را برای پذیرش تعادل مورد نظر خود ترغیب نماید؛ تعادلی که به کاهش حداکثری ترس‌های خود و افزایش حداکثری رضای خویش بینجامد.
- (۶) **حفظ تعادل:** بعد از برقراری تعادل، باید آن را در تعاملات روزمره در حوزه‌های نظیر فضا (واقعی و استعاری)، عشق، کار، روابط به اقوام و خویشان، مسئولیت‌های والدی، و سایر موضوعات روزمره تنظیم و حفظ نمود. ساماندهی و اجرایی شدن این تعاملات بطور معمول خارج از حیطه خودآگاه است.
- (۷) **تغییرات در تعادل:** با وجودی که تعادل کمابیش پایدار و مداوم است، ممکن است تغییراتی به عنوان پیامد چالش‌های هنجاری (تغییر محل و موقعیت شغلی، والد شدن، و ...) و استرس (از دست دادن فرزند یا والدین، ...) رخ دهند. تغییرات در تعادل ناشی از مذاکرت نسبتاً بدون مناقشه یا بحران و مناقشه هستند.
- (۸) **تعادل‌های تسهیل‌کننده سلامت:** با وجودی که هرگونه تعادل در ارتباط و جدایی می‌تواند برای هر دو طرف رابطه نسبتاً رضایت‌بخش باشد، برخی تعادل‌های خاص می‌توانند منجر به تسهیل سلامت و رشد پیوسته طرفین رابطه شوند.
- (۹) **تعادل بهینه:** با وجودی که عامل‌های زمینه‌ای (همچون فقر، بیماری‌های مزمن، بحران‌های اقتصادی/اجتماعی) می‌توانند محدود کننده دسترسی افراد باشند، نظام‌های تسهیل‌کننده سلام بطور معمول شامل سطوح بالایی از ارتباط و جدایی هستند.
- (۱۰) **ارزش‌ها:** تعاملات خصیصه‌های یک نظام ارتباطی بین فردی، بازتابی از باورهای زیربنایی مشترک در مورد طبیعت بشر (ذات پاک/پلید) و سایر مسایل وجودی (جهان هدفمند/بی‌هدف، ریشه نظم جهانی، منشاء و مبداء خلقت، و ...) است. افزون بر این، تعاملات خصیصه‌های نظام ارتباطی یادآور باورهای مشترک زیربنایی طرفین رابطه نیز هستند. عامل‌های فرهنگی اغلب ارزش‌های غالب در نظام‌های ازدواجی و خانوادگی را تحت تاثیر مستقیم قرار می‌دهند.
- ارتباطات بین‌فردی موضوعات بسیار مهمی در حوزه‌های روانی-اجتماعی محسوب می‌شوند. پل ارتباطی افراد به یکدیگر، چه در تعاملات کلامی و چه غیر کلامی، از طریق ارتباطات بین‌فردی است. در این میان، شاید مهمترین موضوعی که اکثراً مغفول می‌ماند، آسیب‌های اجتماعی است. آسیب‌های اجتماعی در

! social harm

دو معنای عمده به کار می روند. در معنای اول، آسیب اجتماعی به آسیب‌هایی اطلاق می شود که فرد با کنش‌ها خودخواهانه و غیرمسئولانه خود (رفتارهای غیراخلاقی، آسیب زدن (غیر)مستقیم به منافع اجتماعی، تخطی از هنجارها و عرف‌های اخلاقی جامعه، حداکثرسازی نفع شخصی از کالاهای جمعی) به ساخت و نظام اجتماعی پیرامون خود وارد می آورد. در این معنا گاه حتی به آسیب اجتماعی بعنوان بزه و جرم نیز نگریسته می شود و دیدگاه جرم‌شناسانه نیز در بررسی آن دخیل است. در معنای دوم، مراد از آسیب‌های اجتماعی، آسیب‌هایی است که افراد بدلیل حضور در پهنه زندگی اجتماعی دیده‌اند، و یا مولفه‌های ایجاد و باقی ماندن آسیب‌ها، در عوامل بین‌فردی و اجتماعی است. در هر دو معنا، رخ دادن آسیب‌های اجتماعی در اجتماعات و بطن جامعه است و دلایل فردی کنش‌های آسیب‌شناختی، تنها در کنش‌وری فرد و یا خزانه ژنتیک وی نهفته نیست (Immordino, Pagano, & Polo, 2011; Short, 2011; Szolucha, 2017; Usoof-Thowfeek, Janoff-Bulman, & Tavernini, 2011). بویژه در مباحث مرتبط با سوءمصرف مواد، رفتارهای اعتیادی، رفتارهای خودآسیبی و خودکشی پژوهش‌های پرشماری نشان داده اند که این دسته از آسیب‌های اجتماعی، مبتنی بر گونه ای از ضعف در ارتباطات اجتماعیند و در رویکردهای درمانی نوین، به محیط‌درمانی و اصلاح تعاملات و ارتباطات افراد پرداخته می شود (Cowlshaw, Merkouris, Chapman, & Radermacher, 2014; Macleod et al., 2004; Martineau, Tyner, Lorenc, Petticrew, & Lock, 2013; Simcharoen et al., 2018; Takeuchi, Okumura, Uezato, & Nishikawa, 2017; Tucker et al., 2018). از آنجا که هسته تقریباً تمامی ارتباطات بین‌فردی بر اساس دل‌بستگی شکل می گیرد و این مفهوم در حوزه مفاهیم و مولفه‌های ارتباطی نیز عامل اصلی است، در ادامه به توضیح این مفهوم و ابعاد آن پرداخته خواهد شد.

### نظریه دل‌بستگی

همانگونه که مشاهده شد، اساس و هسته تعاملات و روابط بین فردی را دل‌بستگی شکل می دهد و تقریباً تمامی مفاهیم نظری کاربردی در حوزه ارتباطات بین فردی پیرامون مفهوم هسته ای دل‌بستگی گرد آمده اند. نظریه دل‌بستگی، نظریه ای گسترده در حوزه تحول اجتماعی در روانشناسی است که منشاء الگوهای ارتباطی بین فردی نزدیک را توصیف می کند (De Winter, Saleminck, & Bosmans, 2018). تعامل عامل‌های محیطی (بویژه والدی) و ژنتیک در مراحل اولیه رشد منجر به تفاوت‌های فردی مهمی در الگوهای رفتار دل‌بستگی در بزرگسالی خواهد شد. رفتارهای دل‌بستگی کنش‌های بین فردی ای هستند که با هدف افزایش حس امنیت فرد، بویژه در هنگام استرس یا نیاز، صورت می گیرند. این الگوهای بین فردی بزرگسالان شکلی پایدار داشته و در بزرگسالی به نام سبک‌های دل‌بستگی بزرگسالی شناخته می

شوند ( Cassidy & Shaver, 2016; Dunlop, Harake, Gray, Hanley, & McCoy, 2018; Mikulincer & Shaver, 2007).

نظریه دلبستگی فرض پیشنهاد می کند تمامی افراد با میلی درونی به جستجوی نزدیک به دیگران در هنگام نیاز و یا استرس متولد می شوند تا بتوانند بقای خود را تسهیل نمایند. به هر میزان که این تلاش‌های برای نزدیک موفق باشند، افراد احساس امنیت خواهند کرد. این احساس امنیت (یا فقدان آن) در آینده به عنوان پایه ای برای سبک‌های دلبستگی افراد خواهد شد که تقریباً در تمامی چرخه عمر ایشان ثابت خواهد ماند (Harms, 2011; Kiyokawa & Hennessy, 2018). نظریه دلبستگی به توصیف پویایی‌های روابط بلندمدت انسان‌ها با یکدیگر می پردازد. در ابتدا، نوزدان به بزرگسالانی که در تعاملات اجتماعی با آنان حساس و پاسخگو هستند و آنهایی به عنوان مراقبین ثابت تا حدوداً پایان نوجوانی باقی خواهند ماند، دلبسته می شوند. پاسخ‌های والدانه منجر به ایجاد الگوهای دلبستگی در پایان نوجوانی می شوند؛ این الگوها نیز به مدل‌های کاری درونی ختم می شوند که هدایت کننده ادراکات، هیجانات، افکار و انتظارات در روابط بعدی خواهند شد (Bretherton & Munholland, 2010; Soh, Chew, Koay, & Ang, 2018). اضطراب جدایی یا سوگ از دست دادن یک چهره دلبستگی پاسخی بهنجار و سازگارانه برای فرد دلبسته محسوب می شود. این رفتارها به این دلیل تکامل یافته اند که احتمال بقای کودک را افزایش داده و روابط او را در باقی زندگی مستحکم باقی نگاه خواهند داشت (Prior & Glaser, 2006). شکل‌گیری سبک دلبستگی با جنبه‌های متعددی از تنظیمات بین‌فردی (فرآیندهایی که تعاملات فرد با دیگران را تنظیم می کنند) و تاثیرات احساسات، افکار، نگرش‌ها و رفتارهای مردم در تعاملات اجتماعی مرتبط است (Chavis & Kisley, 2012; Shahsavarani et al., 2016).

نظریه دلبستگی، از دیدگاه روانی-اجتماعی به عنوان رویکردی غالب برای درک تحول اجتماعی اولیه در کودکان مطرح و به پژوهش‌های تجربی و مستند زیادی در زمینه شکل‌گیری ارتباطات نزدیک کودکان و روابط ثابت، پایدار، دوطرفه و عمیق بزرگسالان منجر شده است (Kungl, Leyh, & Spangler, 2016; Lawson, Valentino, McDonnell, & Speidel, 2018; Ma, Chen, et al., 2017; Ma, Ran, Chen, Ma, & Hu, 2017). نظریه دلبستگی منجر به شکل‌گیری شکل‌های نوینی از روان‌درمانی شده و حتی در پاره‌ای از روان‌درمانی‌های موجود نیز تغییرات ژرفی پدید آورده است. مفاهیم پایه این نظریه منجر به ایجاد سیاست‌های اجتماعی و مراقبتی از کودکان برای رسیدگی به نیازهای ارتباطی دلبستگی در آنها شده است (Howard, Martin, Berlin, & Brooks-Gunn, 2011; Zeanah, Berlin, & Boris, 2011; Zeanah, Shaffer, & Dozier, 2011; Zeanah & Smyke, 2008).



## تعریف دل‌بستگی

دل‌بستگی در معنای پایه ای خود، پیوند (گره)<sup>۱</sup> یا پیوستگی<sup>۲</sup> عاطفی بین یک نفر و یک چهره دل‌بستگی<sup>۳</sup> (بطور معمول یک مراقب) است. چنین ارتباطاتی در بزرگسالی دوجانبه و متقابلند، اما بین کودک و مراقبش این ارتباط بر اساس نیاز کودک به ایمنی، امنیت و محافظت بویژه در نوزادی و نوپایی است. نظریه دل‌بستگی بیان می‌دارد که کودکان بطور غریزی برای بقا و در نهایت تکثیر ژنتیک به مراقبان خود دل‌بسته می‌شوند (Bretherton & Munholland, 2010; Oldfield, Stevenson, Ortiz, & Haley, 2018; Prior & Glaser, 2006). هدف زیستی بقا و هدف روانشناختی امنیت است. نظریه دل‌بستگی توصیفی خسته کننده از روابط انسانی و یا مترادف با عشق و عاطفه نیست، هر چند این دو نشانگر وجود پیوستگی در ارتباط هستند. در روابط کودک با بزرگسال، پیوند کودک به عنوان «دل‌بستگی» و معادل متقابل مراقب به عنوان «پیوستگی مراقبتی»<sup>۴</sup> نامیده می‌شوند (Kwok, Crone, Arden, & Norberg, 2018; Lawson et al., 2018; Prior & Glaser, 2006).

در انسان‌ها، دل‌بستگی ابتدا در نوزادی شکل می‌گیرد. نوزادان نسبت به هر مراقب ثابتی که حساس و پاسخگو به تعاملات اجتماعی ایشان باشد دل‌بستگی خود را شکل می‌دهند. کیفیت ادغام اجتماعی از مدت زمان صرف شده برای مراقبت مهم‌تر است. مادر زیستی بطور معمول الگوی اصلی دل‌بستگی است، اما این نقش را هرکس به شکل ثابت در دوره ای از زمان مادرانه رفتار کند، می‌تواند بر عهده بگیرد. در نظریه دل‌بستگی، این امر به معنای مجموعه ای از رفتارهاست که شامل درگیر شدن در تعاملات اجتماعی زنده و پویا با نوزاد و پاسخگویی سریع به علایم و نزدیک شدن‌های وی است (Bowlby, 2005; Reijman, Foster, & Duschinsky, 2018). در این نظریه هیچ‌جا بیان نشده است که پدران نمی‌توانند به شکلی معادل مادران بعنوان الگوی اصلی دل‌بستگی درآیند؛ در صورتی که پدران نیز همانند مادران مراقبت از کودک و تعاملات اجتماعی وابسته به آن را صورت دهند، بسرعت بدل به الگوی اصلی دل‌بستگی برای کودکان خواهند شد (Shemmings & Shemmings, 2014).

تنظیم هدف در نظام رفتاری دل‌بستگی شامل حفظ پیوستگی با یک الگوی دل‌بستگی قابل دسترس و در دسترس است. «هشدار» اصطلاحی است که برای فعال شدن نظام رفتاری دل‌بستگی بر اثر ترس از خطر به کار می‌رود. «اضطراب» پیش‌بینی یا ترس از جدا افتادن از الگوی دل‌بستگی است. اگر الگوی دل‌بستگی دور از دسترس و یا غیرپاسخگو باشد، استرس جدایی رخ می‌دهد. تهدیدات برای امنیت در کودکان

<sup>۱</sup> tie

<sup>۲</sup> bond

<sup>۳</sup> attachment figure

<sup>۴</sup> care-giving bond

<sup>۵</sup> alarm

بزرگتر و بزرگسالان از غیبت طولانی، شکست‌های ارتباطی، غیرقابل دسترس بودن از نظر هیجانی، یا علایم طرد یا رهاشدگی ناشی می‌شوند ( Cassidy & Shaver, 2016; Keough, Penniston, Vilhena-Churchill, Michael Bagby, & Quilty, 2018; Wilkins, Shemmings, & Shemmings, 2015).

### شکل‌گیری دلبستگی

نظام کنشی/رفتاری دلبستگی با هدف کسب و حفظ نزدیکی بیشتر با یک الگوی دلبستگی عمل می‌کند. کنش‌های نوزاد نسبت به مراقب خود بتدریج بر مبنایی هدفمند سازمان‌دهی می‌شود تا وی را به وضعیتی برساند که در آن احساس امنیت نماید (Prior & Glaser, 2006). در پایان سال اول زندگی، نوزاد قادر است تا مجموعه‌ای از کنش‌های دلبستگی را برای حفظ نزدیکی بروز دهد. این کنش‌ها شامل اعتراض به رفتن مراقب، استقبال از بازگشت مراقب، چنگ زدن و چسبیدن به مراقب هنگام ترس و دنبال وی رفتن است. با رشد توانایی‌های حرکتی، نوزاد از مراقب یا مراقبان خود به عنوان پایگاهی ایمن برای جستجو در محیط استفاده می‌کند. اکتشافات کودک هنگامی که مراقب حاضر است بیشتر می‌شود، زیرا نظام دلبستگی کودک آرام بوده و وی برای اکتشاف آزاد است. اگر مراقب غیرقابل دسترس و یا غیرپاسخگو باشد، رفتارهای دلبستگی با قدرت بیشتری نمایش بروز داده می‌شوند. اضطراب، ترس، بیماری، و خستگی منجر به بروز بیشتر رفتارهای دلبستگی توسط کودک می‌شوند. بعد از سال دوم، بتدریج کودک مراقب را به عنوان فردی مستقل می‌بیند که در این وضعیت ارتباط هدفمند پیچیده‌تری شکل می‌گیرد. بتدریج کودک اهداف، احساسات، و برنامه‌های عمل دیگران را در می‌یابد و این سیر در سال‌های بعد بتدریج کاملتر می‌شود تا جایی که فرد در انتهای دوره نوجوانی و ورود به جوانی می‌تواند به شکلی مستقل زندگی نموده و آماده ایجاد روابط نزدیک، صمیمی و عاطفی با دیگران شود که در کامل‌ترین شکل، فرد وارد رابطه‌ای ازدواجی با بزرگسالی همجنس خواهد شد (Furrow, Johnson, & Bradley, 2011).

### ریشه‌های تکاملی و سازگاران دلبستگی

رفتارها و کنش‌های معمول انسان سازگاران هستند. تکامل انسان شامل انتخاب آن دسته از رفتارها و کنش‌های اجتماعی است که احتمال بقای افراد و گروه‌ها را بالاتر برد. رفتارهای معمول دلبستگی مشاهده شده در نوزادان که شامل ماندن در کنار افراد آشناست مزیت‌های ایمنی در محیط‌ها را در سازگاری اولیه به همراه داشته و امروز نیز چنین مزیتی وجود دارد. محیط‌های اولیه سازگاری کودکان تقریباً مشابه زمان‌های گذشته است که جوامع انسانی به صورت شکارچی-گردآورنده بوده‌اند (Bowlby, 2005).

در احساس کردن موقعیت‌های احتمالاً خطرناک همچون موقعیت‌های ناآشنا، تنها ماندن و نزدیک شدن سریع، مزیت‌های بقای زیادی نهفته است. بنظر متخصصان حوزه دلبستگی، جستجوی نزدیکی با الگوی دلبستگی در مواجهه با خطر در حقیقت تنظیم هدف در نظام کنشی دلبستگی است (Prior & Glaser, 2006). از آنجا که نوزادان پستاندارن ناتوانی زیادی در تغذیه و محافظت از خود دارند، بنابراین، بقای آنها کاملاً وابسته به قابلیت آنها در حفظ نزدیکی با بزرگسالان سالمندتر، عاقل‌تر، و توانمندتر است. در نتیجه، کنش‌های آنها که ممکن است شدید بنظر برسد، به عنوان پاسخی سازگارانه به جدایی از الگوی نخستین دلبستگی عمل می‌نماید. به همین دلیل، این نوزادان چنین رفتارهایی را برای جلب توجه و مراقبت کسی بکار می‌برند که سابقه حمایت، محافظت، و ابراز عشق را به آنها داشته است. در طول زمان، فرآیندهای تکاملی افرادی را انتخاب کرده اند که در جلب توجه و حفظ نزدیکی با الگوهای دلبستگی موفق بوده اند. در طول زمان، انسان و سایر گونه‌های پستانداران یک نظام رفتاری دلبستگی را شکل داده اند که هر زمان که نوزادی از مراقب اصلی خود جدا شود، فعال می‌شود. طبق عملکرد این نظام، اگر نوزادی در نزدیکی مراقب خود باشد امنیت، عشق، و اعتماد را تجربه کرده و میل بیشتری به مردم آمیزی و رفتارهای اکتشافی خواهد داشت. اما اگر نوزاد از الگوی دلبستگی اولیه خود جدا شود رفتارهای دلبستگی را که از پایش دیداری الگوی دلبستگی تا علامت دهی صوتی، چنگ زدن، و جستجوی فعالانه الگوی دلبستگی، از خود بروز می‌دهند. این رفتارها تا زمانی ادامه دارند که یا سطح نزدیکی و توجه به حد رضایت کودک برسد و یا کودک خسته شود. شکست در برقراری نزدیکی استثنائات کودک از روابط خود با مراقبش را شکل می‌دهد و برداشتش از ارزش شخصی خود را تحت تاثیر قرار می‌دهد (Chae et al., 2018; Harms, 2011).

نظام دلبستگی نیرومند است و نوزادان انسان براحتی حتی در موقعیت‌های بسیار دور از شرایط ایده‌آل نیز می‌توانند دلبستگی را ایجاد نمایند. بر خلاف چنین نیرومندی، جدایی معنادار از مراقب آشنا یا تغییرات مداوم در مراقبان که مانع از ایجاد دلبستگی می‌شود، می‌تواند به آسیب‌های روانی عمیقی در زندگی بعدی فرد بینجامد. نوزادان در ماه‌های اولیه زندگی خود هیچ ترجیحی بین والدین زیستی و غریبه‌ها قایل نیستند. ترجیحات برای افراد خاص و رفتارهایی که به برانگیختن توجه و مراقبت می‌شود بعد از گذشت مدت زمان قابل توجهی ایجاد می‌شود. این امر که نوزاد بواسطه جدایی از مراقبان خود ناراحت می‌شود، نشان می‌دهد پیوستگی تنها وابسته به حضور مراقب نیست، بلکه دلیل طبیعت ادامه دار آن است (Bowlby, 2005; Widom, Czaja, Kozakowski, & Chauhan, 2018a).

تقریباً از ابتدا، بسیاری از کودکان بیش از یک الگوی دلبستگی برای هدایت رفتارهای دلبستگی خود دارند، اما با این الگوها به یک شکل رفتار نمی‌کنند؛ هر کودک سوگیری نیرومندی برای هدایت عمده

رفتارهای دلبستگی خود به یک فرد خاص دارد. باولبی از واژه «تک‌گرایی» برای این سوگیری استفاده نمود (Bowlby, 1999). پژوهشگران و نظریه‌پردازان دیگر، از این مفهوم استفاده نمی‌کنند زیرا ممکن است این سوءبرداشت ایجاد شود که رابطه با یک الگوی خاص دلبستگی از نظر کیفی متفاوت از رابطه با دیگران است. در عوض، نظریه‌پردازان فعلی سلسله مراتبی از ارتباطات را پیشنهاد می‌کنند. پیشنهاد شده است که طیفی از افراد در محیط اجتماعی نوزاد می‌توانند در زمان غیاب یا عدم پاسخگویی مراقب اصلی، بطور معمول مادر، برای کودک حمایت و آرامش فراهم آورند (Lindberg, Fugett, & Carter, 2015; Weinfield, Sroufe, Egeland, & Carlson, 2010; Wilkinson, 2010).

تجارب اولیه با مراقبان بتدریج منجر به ایجاد نظامی از افکار، خاطرات، باورها، انتظارات، هیجانات، و باورهایی در مورد خود و دیگران می‌شود. این نظام که «مدل کاری درونی ارتباطات اجتماعی» نامیده می‌شود در طول زمان و به موازات افزایش تجارب، رشد می‌کند (Ju & Lee, 2018; Scharf, 2011; Mayseless, & Kivenson-Baron, 2011). مدل‌های درونی رفتارهای مرتبط با دلبستگی را در خود و الگوی دلبستگی تنظیم، تفسیر و پیش‌بینی می‌کنند. همانطور که مدل‌های درونی به موازات تغییرات محیطی و رشدی، تحول می‌یابند، دارای ظرفیت بازتاب و ارتباط در مورد گذشته و آینده روابط دلبستگی نیز می‌شوند. آنها کودک را قادر می‌سازند تا انواع جدید تعاملات اجتماعی را برقرار نماید. مدل‌های کاری درونی در بزرگسالی نیز به تحول و رشد خود ادامه می‌دهند و به فرد کمک می‌کنند تا در دوستی، ازدواج و رفتارهای والدی بتواند رفتارها و احساسات خاص و متناسب هرکدام را از خود بروز دهد (Milligan, Khoury, Benoit, & Atkinson, 2015; Soh et al., 2018). رشد دلبستگی فرآیندی انتقالی است. رفتارهایی خاص از دلبستگی با کنش‌هایی قابل پیش‌بینی و علی‌الظاهر درون‌زاد در نوزادی مشاهده می‌شوند. این کنش‌ها با افزایش سن به گونه‌ای تغییر می‌کنند که بخشی بواسطه تجربه و بخشی بر اساس عامل‌های موقعیتی است. به موازات تغییر کنش‌های دلبستگی همراه با افزایش سن، آنها توسط ارتباطات فرد نیز تغییر می‌یابند. رفتار کودک هنگام رسیدن مجدد به مراقب خود نه تنها با سابقه رفتاری پیشین مراقب با کودک مرتبط است، بلکه به سابقه تأییدی که کودک بر مراقب داشته است نیز ارتباط دارد (Bowlby, 2005; Olbert et al., 2016).

### تغییرات در دلبستگی از کودکی به بزرگسالی

بر اساس نظریه دلبستگی، تجارب اولیه با مراقبان اصلی توسط کودک درونی شده و مدل کاری درونی را می‌سازند که ساختاری شناختی است و بعنوان الگویی برای روابط بعدی خارج از خانواده عمل می‌کند.

۱) monotropy

۲) internal working model of social relationships

مدل‌های کاری درونی بزرگسالان تعاملات آنها را با دیگران مهم‌تحت تاثیر قرار می‌دهد. روابط عاشقانه بزرگسالان به عنوان فرآیندهای دلبستگی محسوب می‌شوند که تا حدی برای هر فرد متفاوتند زیرا سوابق دلبستگی آنها که ریشه در تجارب اولیه زندگی‌شان دارد، مختلف است. سن، رشد شناختی و تجارب پیوسته اجتماعی منجر به پیشرفت تحول و پیچیدگی مدل‌های کاری درونی می‌شوند. رفتارهای وابسته به دلبستگی برخی از ویژگی‌های نوعی دوره نوزادی-نویابی را از دست داده و برخی گرایش‌های وابسته به سن را کسب می‌کنند که در نتیجه منجر به سبک‌های خاص دلبستگی و رفتاری در بزرگسالی خواهد شد (Corcoran & McNulty, 2018; Lindberg & Zeid, 2018; Troyer & Greitemeyer, 2018).

مهارت‌های فردی، بین فردی و اجتماعی کسب شده در طول فرآیندها اجتماعی شدن اولیه و ثانویه در مدل‌های کاری درونی ادغام می‌شوند تا در تعامل با سایر کودکان در دوره کودکی و نیز بعداً با همسالان بزرگسال به کار روند. در سال‌های ۷ تا ۱۱ سالگی، معمولاً همراه با افزایش احساس استقلال کودک، تغییری در راستا تنظیم همزمان دوجانبه ارتباط با پایگاه ایمن صورت می‌گیرد که طی آن والد و کودک بر سر روش‌های حفظ ارتباط و نظارت با هم مذاکره می‌کنند. انتقال به نوجوانی و بعد از آن بزرگسالی، استقلال را پررنگ‌تر می‌سازد. خودمختاری و ارتباط داشتن، یا وابستگی متقابل، موضوعات مهمی در اکثر روابط نزدیک هستند. دستیابی به تعادل بین این دو امر اغلب چالش‌برانگیز بوده و نیازمند آن است که رضایت متقابل طرفین ارتباط تامین شود. در عین حال جنبه‌های دیگر خصایص دلبستگی اولیه افراد نیز در بزرگسالی خود را در ارتباطات نشان می‌دهند (Fugett, Thomas, & Lindberg, 2014; Ju & Lee, 2018; Lavy & Littman-Ovadia, 2011).

### اهمیت مدل‌های کاری درونی در دلبستگی

تاثیرات دلبستگی اولیه در سازو کار مدل‌های کاری اولیه نهفته‌اند. مدل‌های درونی تنها تصویر نیستند، بلکه اشاره به احساسات برانگیخته شده نیز دارند. این مدل‌ها فرد را قادر می‌سازند رفتارهای دیگران را پیش‌بینی و تفسیر کند و پاسخی فراخور آن تولید نماید. مدل‌های کاری درونی که رفتارهای دلبستگی بر مبنای آنها شکل می‌گیرند در جاتی از پیوستگی و ثبات را نشان می‌دهند. احتمال دارد کودکان دقیقاً در همان مقوله‌هایی قرار بگیرند که مراقبان اولیه آنها بواسطه مدل‌های کاری درونی خویش، از خود نشان می‌دهند. این تاثیر تا نسل می‌تواند ادامه یابد. بنظر می‌رسد مدل‌های اولیه دلبستگی در افراد مادام‌العمر باقی بمانند، زیرا آنها در سطح پردازشی ناخودآگاه افراد وارد می‌شوند. اما نباید تصور شود که مدل‌های کاری درونی غیر قابل تغییرند؛ تجارب ارتباطی تاثیرات متفاوتی در افراد دارند و تعدادی از

کودکان سبک‌های دلبستگی متفاوتی را مراقبان مختلف دارند ( Xiang & Liu, 2018; Stubbs, 2018).

برخی شواهد حاکی از آنند که تفاوت‌های معنادار جنسی در الگوهای دلبستگی سازگاران در اواسط کودکی آغاز می‌شوند. دلبستگی نایمن و استرس‌های روانی-اجتماعی زود هنگام نشانگر وجود مخاطرات محیطی هستند که فقر، عدم ثبات اجتماعی-اقتصادی، وضعیت اقلیت، خشونت، نابرابری‌های اجتماعی، بی‌ثباتی اجتماعی و اختلالات روانی مهمترین آنها محسوب می‌شوند. این موارد می‌توانند منجر به تولید مثل در سنین پایین‌تر و در نتیجه ایجاد مخاطرات جدی در الگوهای دلبستگی چه برای زنان و دختران بعنوان هدف جنسی و چه برای فرزندان آنها (بعنوان فرزندان مادرانی که پختگی لازم برای ایجاد الگوی دلبستگی مناسب را ندارند) شود. اما، الگوهای مختلف ارزش‌های سازگاران متفاوتی برای مردان و زنان دارند. مردان نایمن راهبردهای اجتنابی را در پیش می‌گیرند، در حالی که زنان نایمن راهبردهای اضطرابی/دوسوگرا را مورد استفاده قرار می‌دهند، مگر اینکه در شرایط بسیار وخیم و پرخطر محیطی باشند. تقریباً تمامی نایمنی‌های دلبستگی به شکلی مستقیم با بروز اختلالات روانی-اجتماعی که از اواخر کودکی بروز می‌یابند، مرتبطند. یکی از مهمترین عوارض خطرناک دلبستگی نایمن در اواسط کودکی بلوغ زودرس است که پاسخ سیستم غدد درون‌ریز (بویژه فوق کلیه) به استرس‌های محیطی بدون ترشح کورتیزول می‌باشد ( Del Giudice, 2009; Gambin, Wozniak-Prus, & Sharp, 2018; Kefeli, Turow, Yildirim, & Boysan, 2018; Monteleone et al., 2018).

### دلبستگی در بزرگسالی

تمرکز اصلی نظریه دلبستگی بر تعاملات و ارتباطات زوج مادر/مراقب-کودک بود. اما در سال‌های اخیر این نظریه به حوزه روابط اجتماعی و نیز زندگی بزرگسالی گسترش یافته تا جایی که حوزه مهمی در اصلاح و درمان روابط بین‌فردی، خانوادگی و زناشویی را در بر می‌گیرد ( Mikulincer & Shaver, 2007). بنظر باولبی (Bowlby, 1988) نظریه دلبستگی و مفهوم دلبستگی به شکل کاملی به شناخت اجتماعی<sup>۱</sup> و کنش‌های ارتباطی در طول چرخه زندگی مرتبط است. نظریه دلبستگی بزرگسالی تعمیمی نظریه دلبستگی باولبی و اینزورث است که تفاوت‌های فردی در شناخت‌ها، احساسات، و رفتارهایی که در روابط نزدیک نوجوانی و بزرگسالی رخ می‌دهد، را توضیح می‌دهد. دو بعد نایمنی در تمامی مقیاس‌های خودگزارش‌دهی دلبستگی بزرگسالی مشترک است. بعد اول، اضطراب دلبستگی<sup>۲</sup> است که مربوط به میل نیرومند نزدیکی و حمایت، نگرانی‌های شدید در مورد طرد، و استفاده از راهبردهای بیش-فعالانه

<sup>۱</sup> social cognition

<sup>۲</sup> attachment-related anxiety

برای مواجهه با استرس دل‌بستگی است. بعد دوم اجتناب دل‌بستگی<sup>۱</sup> است که با ناراحتی با نزدیکی، ترجیح دوری هیجانی، اتکا به خود سر و کار دارد (Ebner et al.; Strauss et al., 2017; Zeleskov, Djoric & Međedović, 2011).

در واقع، بعد از نظر بولبی (Bowlby, 1999)، سایر پژوهشگران حوزه دل‌بستگی نیز بیان داشتند که نظریه دل‌بستگی را می‌توان در مورد روابط نوجوانی و بزرگسالی بکار برد، بشرطی که دارای چهار ملاک باشند (Brenk-Franz et al., 2018; Hawkins & Williams, 2017; Mikulincer & Shaver, 2007; Ramos & Lopez, 2018; Zilcha-Mano, Mikulincer, & Shaver, 2012):

- ۱) تنظیم نزدیکی: میل به بودن در نزدیکی الگوی دل‌بستگی، بویژه در زمان استرس یا نیاز
  - ۲) استفاده از الگوهای دل‌بستگی بعنوان پایگاهی امن که می‌تواند استرس را تسکین دهد و آرامش، شجاعت، انگیزه و حمایت ارائه کند.
  - ۳) استفاده از الگوی دل‌بستگی به عنوان پایگاه ایمن که احساس امنیت فرد را بالا می‌برد و در نتیجه خطرپذیری، جستجوگری و رشد فردی را تداوم می‌بخشد.
  - ۴) تجربه استرس جدایی هنگامی که الگوی دل‌بستگی به شکل موقت یا دایم دور از دسترس است
- در حالیکه الگوی اولیه مرجح است، مزیت بقای در ایجاد شبکه سلسله مراتبی از مراقبان بالقوه‌ای که بتوان به آنها اتکا نمود، وجود دارد. در طول زمانی نوزاد رشد کرده و از کودکی وارد نوجوانی می‌شود، این شبکه روابط دل‌بستگی گسترش یافته و رفتارهای دل‌بستگی به شکل فزاینده‌ای به سمت همسالانی خارج از خانواده هدایت می‌شود که بتدریج با انتقال از دل‌بستگی اولیه به الگوی دل‌بستگی به یک شریک عشقی در بزرگسالی برای اکثریت افراد، به اوج خود می‌رسد (Mallet & Kindelberger, 2018; Ravitz, Maunder, Hunter, Sthankiya, & Lancee, 2010; Wilkinson, 2010).
- اگر سبک دل‌بستگی بتواند پایگاهی ایمن برای افراد در بزرگسالی فراهم آورد، آنها پیامدهای مثبتی چون نرمی رفتاری، گشودگی به تجارب هیجانی، بیان آزاد هیجانات، تنظیم هیجانی موثرتر در روابط اجتماعی و متقابل، سطوح بالاتر خودافشاگری، توانمندی القای حس خودافشاگری بیشتر به طرف دیگر رابطه، تعهد، اعتماد، رضایت از رابطه و کاهش خطر سوءمصرف مواد را تجربه خواهند کرد (Carr, Hardy, & Fornells-Ambrojo, 2018; Dewitte, De Houwer, Goubert, & Buysse, 2010; Kidd et al., 2016; Murdock & Fagundes, 2017; Widom, Czaja, Kozakowski, & Chauhan, 2018b).

<sup>۱</sup> attachment-related avoidance

## References

- Bowlby, J. (1988). *A secure base: Parent-child attachment and healthy human development*. New York, NY, USA: Basic Books.
- Bowlby, J. (1999). *Attachment and loss: Vol.1 Attachment* (2nd ed.). New York, NY, USA: Basic Books.
- Bowlby, J. (2005). *The making and braking of affectional bonds* (2nd ed.). London, UK: Routledge.
- Brenk-Franz, K., Ehrenthal, J. C., Freund, T., Schneider, N., Strauss, B., Tiesler, F., et al. (2018). Evaluation of the short form of "Experience in Close Relationships" (Revised, German Version "ECR-RD12") - A tool to measure adult attachment in primary care. *PLoS ONE*, 13(1), e0191254. doi:10.1371/journal.pone.0191254
- Bretherton, I., & Munholland, K. A. (2010). Internal Working Models in Attachment Relationships: A Construct Revisited. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.), *Handbook of Attachment: Theory, Research and Clinical Applications* (2nd ed., pp. 102-130). New York, NY, USA: Guilford Press.
- Carr, S. C., Hardy, A., & Fornells-Ambrojo, M. (2018). Relationship between attachment style and symptom severity across the psychosis spectrum: A meta-analysis. *Clinical Psychology Review*, 59, 145-158.  
doi:<https://doi.org/10.1016/j.cpr.2017.12.001>
- Cassidy, J., & Shaver, P. R. (2016). *Handbook of Attachment: Theory, Research and Clinical Applications* (3rd ed.). New York, NY, USA: Guilford Press.
- Chae, Y., Goodman, M., Goodman, G. S., Troxel, N., McWilliams, K., Thompson, R. A., et al. (2018). How children remember the Strange Situation: The role of attachment. *Journal of Experimental Child Psychology*, 166, 360-379.  
doi:<https://doi.org/10.1016/j.jecp.2017.09.001>
- Chavis, J. M., & Kisley, M. A. (2012). Adult Attachment and Motivated Attention to Social Images: Attachment-Based Differences in Event-Related Brain Potentials to Emotional Images. *Journal of research in personality*, 46(1), 55-62.  
doi:10.1016/j.jrp.2011.12.004
- Cheshin, A., Amit, A., & van Kleef, G. A. (2018). The interpersonal effects of emotion intensity in customer service: Perceived appropriateness and authenticity of attendants' emotional displays shape customer trust and satisfaction. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 144, 97-111.  
doi:<https://doi.org/10.1016/j.obhdp.2017.10.002>
- Cionea, I. A., Piercy, C. W., & Carpenter, C. J. (2017). A profile of arguing behaviors on Facebook. *Computers in Human Behavior*, 76, 438-449.  
doi:<https://doi.org/10.1016/j.chb.2017.08.009>
- Corcoran, M., & McNulty, M. (2018). Examining the role of attachment in the relationship between childhood adversity, psychological distress and subjective well-being. *Child Abuse Negl*, 76, 297-309.  
doi:<https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2017.11.012>
- Cowlishaw, S., Merkouris, S., Chapman, A., & Radermacher, H. (2014). Pathological and problem gambling in substance use treatment: A systematic review and meta-



- analysis. *Journal of Substance Abuse Treatment*, 46(2), 98-105.  
doi:<https://doi.org/10.1016/j.josat.2013.08.019>
- de Waal-Andrews, W., & van Beest, I. (2018). A sweeter win: When others help us outperform them. *Journal of Experimental Social Psychology*, 74, 218-230.  
doi:<https://doi.org/10.1016/j.jesp.2017.10.004>
- De Winter, S., Saleminck, E., & Bosmans, G. (2018). Interpretation bias in middle childhood attachment: Causal effects on attachment memories and scripts. *Behaviour Research and Therapy*, 102, 16-24.  
doi:<https://doi.org/10.1016/j.brat.2017.12.004>
- Del Giudice, M. (2009). Sex, attachment, and the development of reproductive strategies. *Behav Brain Sci*, 32(1), 1-21; discussion 21-67.  
doi:10.1017/s0140525x09000016
- Dewitte, M., De Houwer, J., Goubert, L., & Buysse, A. (2010). A multi-modal approach to the study of attachment-related distress. *Biol Psychol*, 85(1), 149-162.  
doi:10.1016/j.biopsycho.2010.06.006
- Dunlop, W. L., Harake, N., Gray, J. S., Hanley, G. E., & McCoy, T. P. (2018). The rises and falls of romance: Considering redemption, contamination, and affective tone in the narrative construction of love lives. *Journal of research in personality*, 74, 23-29.  
doi:<https://doi.org/10.1016/j.jrp.2018.01.003>
- Ebner, N. C., Lin, T., Muradoglu, M., Weir, D. H., Plasencia, G. M., Lillard, T. S., et al. (2018). Associations between oxytocin receptor gene (OXTR) methylation, plasma oxytocin, and attachment across adulthood. *International Journal of Psychophysiology*. doi: <https://doi.org/10.1016/j.ijpsycho.2018.01.008>
- Fugett, A., Thomas, S. W., & Lindberg, M. A. (2014). The many faces of malingering and participant response strategies: new methodologies in the Attachment and Clinical Issues Questionnaire (ACIQ). *The Journal of general psychology*, 141(2), 80-97. doi:10.1080/00221309.2013.866538
- Furrow, J. L., Johnson, S. M., & Bradley, B. A. (2011). *The Emotionally Focused Casebook: New Directions in treating couples* (1st ed.). London, UK: Routledge.
- Gaines, S. O. (2016). *Personality and close relationship precesses*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Gambin, M., Wozniak-Prus, M., & Sharp, C. (2018). Attachment and psychopathic traits in inpatient female and male adolescents. *Comprehensive Psychiatry*, 81, 73-80. doi:<https://doi.org/10.1016/j.comppsycho.2017.11.008>
- Garofalo, C., Velotti, P., Zavattini, G. C., & Kosson, D. S. (2017). Emotion dysregulation and interpersonal problems: The role of defensiveness. *Personality and Individual Differences*, 119, 96-105.  
doi:<https://doi.org/10.1016/j.paid.2017.07.007>
- Giddens, A., Duneier, M., Applebaum, R. P., & Carr, D. (2016). *Introduction to sociology (10th Ed.)*. New York, NY, USA: W. W. Norton & Company.
- Han, K., Han, C., Shin, C., Jee, H., An, H., Yoon, H., et al. (2018). Social capital, socioeconomic status, and depression in community-living elderly. *Journal of*

*Psychiatric Research*, 98, 133-140.

doi:<https://doi.org/10.1016/j.jpsychires.2018.01.002>

Harms, P. D. (2011). Adult attachment styles in the workplace. *Human Resource Management Review*, 21(4), 285-296.

doi:<https://doi.org/10.1016/j.hrmr.2010.10.006>

Hawkins, R. D., & Williams, J. M. (2017). Childhood Attachment to Pets: Associations between Pet Attachment, Attitudes to Animals, Compassion, and Humane Behaviour. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 14(5), 1-15. doi:10.3390/ijerph14050490

Ho, V. T., Kong, D. T., Lee, C., Dubreuil, P., & Forest, J. (2018). Promoting harmonious work passion among unmotivated employees: A two-nation investigation of the compensatory function of cooperative psychological climate. *Journal of Vocational Behavior*, 106, 112-125.

doi:<https://doi.org/10.1016/j.jvb.2018.01.005>

Howard, K., Martin, A., Berlin, L. J., & Brooks-Gunn, J. (2011). Early Mother-Child Separation, Parenting, and Child Well-Being in Early Head Start Families. *Attachment & human development*, 13(1), 5-26.

doi:10.1080/14616734.2010.488119

Immordino, G., Pagano, M., & Polo, M. (2011). Incentives to innovate and social harm: Laissez-faire, authorization or penalties? *Journal of Public Economics*, 95(7), 864-876. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jpubeco.2011.01.011>

Ju, S., & Lee, Y. (2018). Developmental trajectories and longitudinal mediation effects of self-esteem, peer attachment, child maltreatment and depression on early adolescents. *Child Abuse Negl*, 76, 353-363.

doi:<https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2017.11.015>

Kefeli, M. C., Turow, R. G., Yildirim, A., & Boysan, M. (2018). Childhood maltreatment is associated with attachment insecurities, dissociation and alexithymia in bipolar disorder. *Psychiatry research*, 260, 391-399.

doi:<https://doi.org/10.1016/j.psychres.2017.12.026>

Keough, M. T., Penniston, T. L., Vilhena-Churchill, N., Michael Bagby, R., & Quilty, L. C. (2018). Depression symptoms and reasons for gambling sequentially mediate the associations between insecure attachment styles and problem gambling. *Addictive Behaviors*, 78, 166-172. doi:<https://doi.org/10.1016/j.addbeh.2017.11.018>

Kidd, T., Poole, L., Ronaldson, A., Leigh, E., Jahangiri, M., & Steptoe, A. (2016).

Attachment anxiety predicts depression and anxiety symptoms following coronary artery bypass graft surgery. *Br J Health Psychol*, 21(4), 796-811.

doi:10.1111/bjhp.12191

Kiyokawa, Y., & Hennessy, M. B. (2018). Comparative studies of social buffering: A consideration of approaches, terminology, and pitfalls. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 86, 131-141.

doi:<https://doi.org/10.1016/j.neubiorev.2017.12.005>

Kungl, M. T., Leyh, R., & Spangler, G. (2016). Attachment Representations and Brain Asymmetry during the Processing of Autobiographical Emotional Memories in Late

Adolescence. *Frontiers in Human Neuroscience*, 10, 644.

doi:10.3389/fnhum.2016.00644

Kwok, C., Crone, C., Ardern, Y., & Norberg, M. M. (2018). Seeing human when feeling insecure and wanting closeness: A systematic review. *Personality and Individual Differences*, 127, 1-9. doi:<https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.01.037>

Lavy, S., & Littman-Ovadia, H. (2011). All you need is love? Strengths mediate the negative associations between attachment orientations and life satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 50(7), 1050-1055.

doi:<https://doi.org/10.1016/j.paid.2011.01.023>

Lawson, M., Valentino, K., McDonnell, C. G., & Speidel, R. (2018). Maternal attachment is differentially associated with mother-child reminiscing among maltreating and nonmaltreating families. *Journal of Experimental Child Psychology*, 169, 1-18. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jecp.2017.12.005>

Levinger, G. (1980). Toward the analysis of close relationships. *Journal of Experimental Social Psychology*, 16, 510-544.

Levinger, G. (1994). Figure versus ground: Micro and macro perspectives on the social psychology of personal relationships. In R. Erber & R. Gilmour (Eds.), *Theoretical frameworks for personal relationships* (pp. 1-28). Hillsdale, NJ, USA: Erlbaum.

Levinger, G. (1999). Duty toward whom? Reconsidering attractions and barriers as determinants of commitment in a relationship. In W. H. Jones & J. M. Adams (Eds.), *Handbook of interpersonal commitment and relationship stability* (pp. 37-52). New York, NY, USA: Plenum.

Levinger, G., & Rubin, J. Z. (1994). Bridges and barriers to a more general theory of conflict. *Negotiation Journal*, 10, 201-215.

Lindberg, M. A., Fugett, A., & Carter, J. E. (2015). Tests of the Attachment and Clinical Issues Questionnaire as It Applies to Alcohol Dependence. *Journal of addiction medicine*, 9(4), 286-295. doi:10.1097/adm.000000000000131

Lindberg, M. A., & Zeid, D. (2018). Tests of the Attachment and Developmental Dynamic Systems Theory of Crime (ADDSTOC): Toward a Differential RDoC Diagnostic and Treatment Approach. *International journal of offender therapy and comparative criminology*, 306624X17750353. doi:10.1177/0306624x17750353

Ma, Y., Chen, X., Ran, G., Ma, H., Zhang, X & Liu, G. (2017). The processing of body expressions during emotional scenes: the modulation role of attachment styles. *Scientific Reports*, 7, 44740. doi:10.1038/srep44740

Ma, Y., Ran, G., Chen, X., Ma, H., & Hu, N. (2017). Adult Attachment Styles Associated with Brain Activity in Response to Infant Faces in Nulliparous Women: An Event-Related Potentials Study. *Front Psychol*, 8, 627.

doi:10.3389/fpsyg.2017.00627

Macleod, J., Oakes, R., Copello, A., Crome, I., Egger, M., Hickman, M., et al. (2004). Psychological and social sequelae of cannabis and other illicit drug use by young people: a systematic review of longitudinal, general population studies. *The Lancet*, 363(9421), 1579-1588. doi:[https://doi.org/10.1016/S0140-6736\(04\)16200-4](https://doi.org/10.1016/S0140-6736(04)16200-4)

- Mainhard, T., Oudman, S., Hornstra, L., Bosker, R. J., & Goetz, T. (2018). Student emotions in class: The relative importance of teachers and their interpersonal relations with students. *Learning and Instruction, 53*, 109-119. doi:<https://doi.org/10.1016/j.learninstruc.2017.07.011>
- Mallet, P., & Kindelberger, C. (2018). Adolescents' sociosexual orientation is related to attachment to their same-sex parent. *Personality and Individual Differences, 126*, 7-11. doi:<https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.01.013>
- Martineau, F., Tyner, E., Lorenc, T., Petticrew, M., & Lock, K. (2013). Population-level interventions to reduce alcohol-related harm: An overview of systematic reviews. *Preventive Medicine, 57*(4), 278-296. doi:<https://doi.org/10.1016/j.yjmed.2013.06.019>
- Maybery, D. J. (2018). Incorporating Interpersonal Events within Uplift Measurement. *Social Indicators Research, 68*(1), 35-57. doi:10.1023/B:SOCI.0000025568.05458.fe
- Meehan, K. B., Cain, N. M., Roche, M. J., Clarkin, J. F., & De Panfilis, C. (2018). Rejection sensitivity and interpersonal behavior in daily life. *Personality and Individual Differences, 126*, 109-115. doi:<https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.01.029>
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). Boosting Attachment Security to Promote Mental Health, Prosocial Values, and Inter-Group Tolerance. *Psychological Inquiry, 18*(3), 139-156. doi:10.1080/10478400701512646
- Milligan, K., Khoury, J. E., Benoit, D., & Atkinson, L. (2015). Maternal attachment and mind-mindedness: the role of emotional specificity. *Attachment & human development, 17*(3), 302-318. doi:10.1080/14616734.2014.996573
- Monteleone, A. M., Cardi, V., Volpe, U., Fico, G., Ruzzi, V., Pellegrino, F., et al. (2018). Attachment and motivational systems: Relevance of sensitivity to punishment for eating disorder psychopathology. *Psychiatry research, 260*, 353-359. doi:<https://doi.org/10.1016/j.psychres.2017.12.002>
- Murdock, K. W., & Fagundes, C. P. (2017). Attachment Orientations, Respiratory Sinus Arrhythmia, and Stress Are Important for Understanding the Link Between Childhood Socioeconomic Status and Adult Self-Reported Health. *Ann Behav Med, 51*(2), 189-198. doi:10.1007/s12160-016-9842-4
- Olbert, C. M., Penn, D. L., Reise, S. P., Horan, W. P., Kern, R. S., Lee, J., & Green, M. F. (2016). Assessment of attachment in psychosis: A psychometric cause for concern. *Psychiatry research, 246*, 77-83. doi:10.1016/j.psychres.2016.09.020
- Oldfield, J., Stevenson, A., Ortiz, E., & Haley, B. (2018). Promoting or suppressing resilience to mental health outcomes in at risk young people: The role of parental and peer attachment and school connectedness. *Journal of adolescence, 64*, 13-22. doi:<https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2018.01.002>
- Prior, V., & Glaser, D. (2006). *Understanding Attachment and Attachment Disorders :Theory, Evidence and Practice (Child and Adolescent and Mental Health)*. London, UK: Jessica Kingsley Publishers.

- Ramos, K., & Lopez, F. G. (2018). Attachment security and career adaptability as predictors of subjective well-being among career transitioners. *Journal of Vocational Behavior, 104*, 72-85. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jvb.2017.10.004>
- Ravitz, P., Maunder, R., Hunter, J., Sthankiya, B., & Lancee, W. (2010). Adult attachment measures: a 25-year review. *Journal of psychosomatic research, 69*(4), 41-49. doi:10.1016/j.jpsychores.2009.08.006
- Reijman, S., Foster, S., & Duschinsky, R. (2018). The infant disorganised attachment classification: "Patterning within the disturbance of coherence". *Social Science & Medicine, 200*, 52-58. doi:<https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2017.12.034>
- Scharf, M., Maysel, O., & Kivenson-Baron, I. (2011). Leaving the parental nest: adjustment problems, attachment representations, and social support during the transition from high school to military service. *Journal of clinical child and adolescent psychology : the official journal for the Society of Clinical Child and Adolescent Psychology, American Psychological Association, Division 53, 40*(3), 411-423. doi:10.1080/15374416.2011.563464
- Shahsavarani, A. M., Heyrati, H., Mohammadi, M., Jahansouz, S., Saffarzadeh, A., & Sattari, K. (2016). Social Exchange Theory and Attachment Theory: Combination of Sociological and Psychological approaches to form a bio-psychosocial viewpoint to human social and interpersonal relationships. *International Journal of Humanities and Cultural Studies*(S1), 451-467 .
- Shemmings, D., & Shemmings, Y. (2014). *Assessing Disorganized Attachment Behaviour in Children: An Evidence-Based Model for Understanding and Supporting Families*. London, UK: Jessica Kingsley Publishers.
- Shenkman, G., Shrira, A., Ifrah, K., & Shmotkin, D. (2018). Interpersonal vulnerability among offspring of Holocaust survivors gay men and its association with depressive symptoms and life satisfaction. *Psychiatry research, 259*, 89-94 . doi:<https://doi.org/10.1016/j.psychres.2017.10.017>
- Short, D., & Szolucha, A. (2017). Fracking Lancashire: The planning process, social harm and collective trauma. *Geoforum*. doi:<https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2017.03.001>
- Simcharoen, S., Pinyopornpanish, M., Haoprom, P., Kuntawong, P., Wongpakaran, N., & Wongpakaran, T. (2018). Prevalence, associated factors and impact of loneliness and interpersonal problems on internet addiction: A study in Chiang Mai medical students. *Asian Journal of Psychiatry, 31*, 2-7 . doi:<https://doi.org/10.1016/j.ajp.2017.12.017>
- Simpson, J. A., & Campbell, L. (2013). *The Oxford handbook of close relationships*. New York, USA: Oxford University Press.
- Soh, P. C., Chew, K. W., Koay, K. Y., & Ang, P. H. (2018). Parents vs peers 'influence on teenagers' Internet addiction and risky online activities. *Telematics and Informatics, 35*(1), 225-236. doi:<https://doi.org/10.1016/j.tele.2017.11.003>
- Stoeber, J., Noland, A. B., Mawenu, T. W. N., Henderson, T. M., & Kent, D. N. P. (2017). Perfectionism, social disconnection, and interpersonal hostility: Not all

perfectionists don't play nicely with others. *Personality and Individual Differences*, 119, 112-117. doi:<https://doi.org/10.1016/j.paid.2017.07.008>

Strauss, B., Koranyi, S., Altmann, U., Nolte, T., Beutel, M., Wiltink, J., et al. (2017). Partner-related attachment as a moderator of outcome in patients with social anxiety disorder-A comparison between short-term cognitive-behavioral and psychodynamic therapy. *Psychotherapy Theory Research & Practice*, 54(4), 339-350. doi:10.1037/pst0000129

Stubbs, R. M. (2018). A review of attachment theory and internal working models as relevant to music therapy with children hospitalized for life threatening illness. *The Arts in Psychotherapy*, 57, 72-79. doi:<https://doi.org/10.1016/j.aip.2017.10.001>

Takeuchi, T., Okumura, Y., Uezato, A., & Nishikawa, T. (2017). Clinical characteristics of suicidal behavior in an intensive care unit at a university hospital in Japan: A 7-year observational study. *Asian Journal of Psychiatry*. doi:<https://doi.org/10.1016/j.aip.2017.11.005>

Troyer, D., & Greitemeyer, T. (2018). The impact of attachment orientations on empathy in adults: Considering the mediating role of emotion regulation strategies and negative affectivity. *Personality and Individual Differences*, 122, 198-205. doi:<https://doi.org/10.1016/j.paid.2017.10.033>

Tucker, R. P., Hagan, C. R., Hill, R. M., Slísh, M. L., Bagge, C. L., Joiner, T. E., & Wingate, L. R. (2018). Empirical extension of the interpersonal theory of suicide: Investigating the role of interpersonal hopelessness. *Psychiatry research*, 259, 427-432. doi:<https://doi.org/10.1016/j.psychres.2017.11.005>

Usoof-Thowfeek, R., Janoff-Bulman, R., & Tavernini, J. (2011). Moral judgments and the role of social harm: Differences in automatic versus controlled processing. *Journal of Experimental Social Psychology*, 47(1), 1-6. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jesp.2010.07.016>

van Breen, J. A., De Dreu, C. K. W., & Kret, M. E. (2018). Pupil to pupil: The effect of a partner's pupil size on (dis)honest behavior. *Journal of Experimental Social Psychology*, 74, 231-245. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jesp.2017.09.009>

Vangelisti, A., & Perlman, D. (2018). *The Cambridge Handbook of Personal Relationships (2nd Ed.)*: Cambridge University Press.

Weinfeld, N. S., Sroufe, I. A., Egeland, B., & Carlson, E. (2010). Individual differences in infant-caregiver attachment: Conceptual and empirical aspects of security. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.), *Handbook of Attachment: Theory, Research and Clinical Applications* (2nd ed., pp. 78-101). New York, NY, USA: Guilford Press.

Widom, C. S., Czaja, S. J., Kozakowski, S. S., & Chauhan, P. (2018a). Does adult attachment style mediate the relationship between childhood maltreatment and mental and physical health outcomes? *Child Abuse Negl*, 76, 533-545. doi:<https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2017.05.002>

Widom, C. S., Czaja, S. J., Kozakowski, S. S., & Chauhan, P. (2018b). Does adult attachment style mediate the relationship between childhood maltreatment and mental and physical health outcomes? *Child Abuse Negl*, 76, 533-545. doi:10.1016/j.chiabu.2017.05.002

- Wilkins, D., Shemmings, D., & Shemmings, Y. (2015). *A-Z of Attachment*. Basingstoke, UK: Palgrave.
- Wilkinson, R. B. (2010). Best friend attachment versus peer attachment in the prediction of adolescent psychological adjustment. *Journal of adolescence*, 33(5), 709-717. doi:10.1016/j.adolescence.2009.10.013
- Xiang, S., & Liu, Y. (2018). Understanding the joint effects of perceived parental psychological control and insecure attachment styles: A differentiated approach to adolescent autonomy. *Personality and Individual Differences*, 126, 12-18. doi:<https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.01.009>
- Zeanah, C. H., Berlin, L. J., & Boris, N. W. (2011). Practitioner Review: Clinical applications of attachment theory and research for infants and young children. *Journal of child psychology and psychiatry, and allied disciplines*, 52(8), 819-833. doi:10.1111/j.1469-7610.2011.02399.x
- Zeanah, C. H., Shaffer, C., & Dozier, M. (2011). Foster care for young children: why it must be developmentally informed. *J Am Acad Child Adolesc Psychiatry*, 50(12), 1199-1201. doi:10.1016/j.jaac.2011.08.001
- Zeanah, C. H., & Smyke, A. T. (2008). Attachment disorders in family and social context. *Infant Mental Health Journal*, 29(3), 219-233. doi:10.1002/imhj.20176
- Zeleskov Djoric, J., & Mededović, J. (2011). Romantic Adult Attachment and Basic Personality. *Horizons of Psychology*, 20(4), 9-22 .
- Zilcha-Mano, S., Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2012). Pets as safe havens and secure bases: The moderating role of pet attachment orientations. *Journal of research in personality*, 46(5), 571-580. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jrp.2012.06.005>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی